

تحلیل گفتمان شعر «سوره تماشا» براساس نشانه‌شناسی لایه‌ای

شهلا شریفی

دانشیار زبان‌شناسی
دانشگاه فردوسی مشهد

sh74sharifi@yahoo.com

مرضیه مشتاق پور

کارشناس ارشد زبان‌شناسی (آزفا)
دانشگاه فردوسی مشهد

mmoshtagpour@yahoo.com

چکیده

متون ادبی از لایه‌های متعددی تشکیل می‌شوند که پر از رمز و رازند و این علم نشانه‌شناسی کاربردی است که می‌تواند با تجزیه و تحلیل رمزگان موجود در بافت کلام معانی پنهان آن‌ها را آشکار سازد. در تحلیل متونی که به نوع خاصی انتزاعی هستند، نیازمند آنیم در کنار تجزیه عناصر بافتی به تحلیل اندیشه‌های نویسنده با استفاده از نشانه‌های موجود در متن بپردازیم. در این مقاله برای تحلیل گفتمان شعر «سوره تماشا» از سپهری که با ساختار منطقی کلام تفاوتی عمیق دارد سعی کردیم با استفاده از رمزگان پنج‌گانه‌ی رولان بارت و همچنین با توجه به برخی از مفاهیم بنیادی نشانه‌شناسی لایه‌ای به بررسی این شعر بپردازیم. ابتدا به تجزیه نشانه‌ها و تقطیع شعر پرداختیم، سپس براساس رمزگان پنج‌گانه، داده‌ها تحلیل شدند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، سپهری در این شعر توجه خاصی به قرآن و ساختارهای موجود در آن دارد و از سمبل‌های ارزشمندی بهره جسته است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل کلام، رمزگان، نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی لایه‌ای

۱. مقدمه

سهراب سپهری، شاعر توانای معاصر، به علت داشتن تفکری عارفانه و صوفیانه، برگرفته از شرق قدیم و تلقیق آن با دانسته‌ها و خواننده‌های خود از فرهنگ و زبان ادب غرب، در نتیجه نوشته‌هایی را به وجود آورده است که خواننده به راحتی نمی‌تواند صرفاً با یک بار خواندن به مفهوم و منظورش پی ببرد. او با چیره‌دستی فراوان به توصیف عناصر و اشیاء روزمره پیرامونش، با نگرش و دیدی کاملاً متفاوت می‌پردازد و با استادی تمام از رمزها، نشانه‌های تاریخی، فرهنگی، نمادین در اشعارش سود می‌جوید. اگر خواننده بخواهد از خواندن اشعار او لذت ببرد باید به رمزگشایی آن‌ها بپردازد. اشعار او به گونه‌ای است که باید یک جا در بافت فرهنگی رمزگشایی شوند و زمانی که این نشانه‌ها نمادین هستند خواننده نیازمند آن است که با نمادها آشنا باشد. گاه این نشانه‌ها ارزش خود را از تقابلی که با نشانه‌های دیگر در یک نظام کلی دارند، به دست می‌آورند و گاهی این نشانه‌ها در ترکیب با یکدیگر یک رابطه تعاملی و چند سویه پیدا

می‌کنند، به طوری که این لایه‌های ایجاد شده، شبکه‌ای پیچیده از روابط دالی را به وجود می‌آورند. بنابراین باید گفته شود که این چنین اشعار و متون ادبی رمزگونه نیازمند آن هستند براساس نشانه‌شناسی کاربردی که امروزه در تحلیل کلام بیش از هر چیزی به آن می‌پردازد، تجزیه و تحلیل گردند. چنان که شعیری می‌گوید: نشانه‌شناسی نوین در پی کشف معنا در جایی است که بنیان‌های ارتباط متقابل و تنگاتنگ نشانه‌ها با یکدیگر در آن شکل می‌گیرد (شعیری، ۱۳۸۱، صص ۴-۵). البته باید گفته شود که در ابتدا نشانه‌شناسی را بیشتر در زبان و واژه‌ها جستجو می‌کردند ولی امروزه مرز نشانه‌شناسی به حدی گسترش یافته که از مرز زبان فراتر رفته و دیگر پدیده‌ها و کنش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... را نیز در برمی‌گیرد. در این مقاله نیز سعی شده است در تحلیل شعر «سوره تماشا»، یکی از اشعار برجسته سهراب سپهری، با استفاده از رمزگان پنج‌گانه‌ی رولان بارت^۱ و هم‌چنین با توجه به برخی از مفاهیم بنیادی نشانه‌شناسی لایه‌ای که توسط سجودی مطرح می‌گردد به بررسی این شعر بپردازیم. البته باید ذکر شود با در نظر گرفتن عقاید کریستوا^۲ (۱۹۷۲، ص ۳۲۵) که برای اولین بار اصطلاح «بینامتنیت» را مطرح کرد، به این مفهوم توجه داشته باشیم که یک اثر و نوشته، پس از انتشار، در رویکردهای تازه فردی و گروهی در محیط، زمانه و افراد مختلف با افکار و اندیشه‌های متفاوت، معنا و مفهومی دیگر به معناهای قبلی‌اش افزوده می‌شود. بنابراین نگارنده مطالب نیز مانند هر خواننده‌ای دیگر، شاید تصویری از این شعر عرضه کند که با دیگر نقدها در رابطه با طرز تفکر و اندیشه سپهری متفاوت باشد. که البته چنین اختلافاتی حاکی از پویایی اشعار شاعر توانا، سپهری می‌باشد.

۲. ادبیات نظری تحقیق

نشانه‌شناسی به مفهوم امروزی اولین بار توسط فردینان دوسوسور^۳، در اروپا و چارلز ساندرز پیرس^۴، در آمریکا بنا نهاده شد. سوسور می‌گوید: زبان دستگاهی است از نشانه‌ها که بیانگر افکارند و از این رو با خط، الفبای کربولال‌ها، آیین‌های نمادین، شیوه‌های ادای ادب و احترام، علائم نظامی و غیرسنگش‌پذیر است (سوسور، ۱۹۶۵، صص ۴-۲۳). هرچند فقط زبان مهم‌ترین این دستگاه‌هاست. به این ترتیب می‌توان دانشی را در نظر گرفت که بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی جامعه می‌پردازد. این دانش بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و در نتیجه بخشی از روان‌شناسی عمومی خواهد بود که ما آن را نشانه‌شناسی (Semiology) می‌نامیم. می‌توان گفت سوسور از همان ابتدا به شکلی،

1 - Roland Barthes

2 - Kristeva

3 - Ferdinand de Saussure

4 - Charles Sanders Peirce

مفهوم یک نوع از نشانه‌شناسی اجتماعی یا فرهنگی را در ذهن داشته است. از طرفی دیگر پیرس تقسیم‌بندی جالبی از نشانه‌ها را ارائه می‌دهد و آن‌ها را به سه‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند. ایگلتون (1368، ص 139) در کتاب «پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی» به این تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد: نخست نشانه‌ی شمایی (iconic) که در آن نشانه به نوعی با مصداق خود شباهت دارد. دوم نشانه شاخص‌ها را (indexical) که در آن نشانه به نوعی با مصداق نمود پیوند دارد و بالاخره نشانه نمادین (symbolic) که به گفته سوسور، نشانه صرفاً به صورت ارادی یا قراردادی با مصداق خود پیوند دارد. تودوروف فرانسوی از دو هزار سال تاریخ نشانه‌شناسی سخن می‌گوید و در مقدمه کتاب نظریه‌ی ادبیات به نقل از یک فرمالیست روسی به نام ی. تیتانوف (تودوروف، 1355، ص 20) از تمایز بین فرم و کارکرد عنصر ادبی (نشانه) سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: این زوج می‌توانند به دوگانه سوسوری دال و مدلول نزدیک شوند. اما چون صحبت از ادبیات است، یعنی نظام دلالت‌گر درجه دوم، این دو مفهوم نه تنها جدا ناشدنی بلکه حتی خلط شدنی هستند. به همین دلیل، امکان دارد فرم که برخاسته از نشانه‌های زبان است در سطح زبان عادی تعبیری برانگیزد. دیگر این‌که یک ماده می‌تواند در دوره‌های مختلف و نزد نویسندگانه‌های متفاوت در ظاهر نشانه مشارکت جوید. در سال‌های بعد نشانه‌شناسان پساسوسوری مانند یاکوبسن، یلمزلف و دیگران ظهور می‌کنند. در فرانسه مکتب نشانه‌شناسی پارسی شکل می‌گیرد و رولان بارت در دهه‌ی 60 به نوعی احیاگر نشانه‌شناسی سوسوری می‌شود. بارت درباره‌ی داستان‌های رمزی می‌گوید: «در واقع شناخت این‌گونه داستان‌ها، کشف واقعیت‌ها نیست، بلکه خیلی ساده، کشف رمزهاست. ادراک این‌که واژگان چطور کار می‌کنند. هر واحد معنایی نه با بازگشت به معنای نهایی و ثابت داستان و نه بازگشت به واقعیت خاصی بیرون متن، بلکه از راه مکالمه‌ای بیان ساختار نحوی و ساختار معنایی (دانسته‌های ذهنی خواننده) کار می‌کند. او در کتابی به عنوان «درجه صفر نوشتار» که هدفش شیوه‌ی معنا بخشیدن به نشانه است می‌نویسد: هر اثر ادبی، مناسبتی میان نویسنده و متن یا رابطه‌ای میان نویسنده و خواننده نیست، بلکه مناسبتی است میان کنش دلالت و جهان. هم‌چنین در امریکا نشانه‌شناسی پراگماتیستی و سنت «پرسی» به شکل نشانه‌شناسی رفتاری ادامه پیدا می‌کند و در نهایت می‌توان گفت نشانه‌شناسی به این سمت گرایش پیدا می‌کند که نشانه‌ها را در بافت فرهنگی‌شان باید مطالعه کرد و فرهنگ را به مثابه یک نظام پیچیده نشانه‌ای یا نظام، نظام‌های نشانه‌ای بررسی کرد. یعنی نشانه‌شناسی به این سمت آمده که در فرهنگ‌های متفاوت، چیزها چگونه کارکرد نشانه‌ای پیدا می‌کند.

بارت رمزگان را به پنج بخش تقسیم می‌کند و داستان «S/Z» اثر بالزاک را به این نحو رمزگشایی می‌کند. او به تجزیه کردن نشانه‌ها و تقطیع داستان می‌پردازد و سپس براساس پنج رمزگان به تحلیل داده‌هایش می‌پردازد. این پنج رمزگان عبارتند از:

۱-۲. رمزگان معناشناسانه:

عبارت از معناهای ضمنی که در ظاهر متن وجود ندارند، بلکه به محیط پیرامون آن برمی‌گردند (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). مقصود رمزگان معناهای ضمنی این است که از اشارات معنایی یا بازی‌های معنا بهره می‌گیرد و توسط دال‌های بخصوصی صورت می‌گیرد. مثلاً عنوان شعر ما که «سوره تماشا» می‌باشد در معنای ضمنی‌اش به این اشاره دارد که سپهری توجه خاصی به قرآن و ساختارهای موجود در آن دارد. چنان‌که در طول شعر واژه‌های «سوره - بشارت - رسول - رسالت و آیت» آمده که اشاره ضمنی به قرآن دارند. این رمزگان در کتاب بارت به صورت «SEM» آمده است.

۲-۱-۲. رمزگان نمادین و سمبلیک

نمادها از رمزهای معنایی داستان هستند. وقتی خواننده دلالت معنایی نمادها را بشناسد، به خلاقیت هنری نهفته در آن پی می‌برد و لذت خواندن متن در تحول سمبلیک نمادها در «سوره تماشا» در نتیجه تلفیق فرهنگ شرق و آیین اسلام توأم می‌باشد. سپهری از سمبل‌های ارزشمندی در این شعر بهره جسته است. مانند «گوهر» که نمادی از روح و نفس و حقیقت انسان کامل است. منطلق این رمزگان از منطق رویاست. زمانی توالی یا جاننشینی رخدادهای نامعمول است (احمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸). این رمزگان به شکل «SYM» در کتاب آمده است.

۳-۱-۲. رمزگان هرمنوتیک

در تعریفی ابتدایی، از علم تعبیر و تفسیر و تأویل، نام گرفته است. هرمنوتیک به معنای تعبیر و تفسیر برای دستیابی به معناست. پل ریکور، هرمنوتیک را فن تشریح و توضیح نمادها، بخصوص نمادهایی که معنی صریح دارند می‌شناسد (حریری، ۱۳۷۵، ص ۶). هرمنوتیک در اصل از واژه «Hermes» به معنای «خدای بالدار» گرفته شده است و وظیفه آن انتقال پیام‌های خداوندی برای بشر است. از مفاهیم هرمنوتیک می‌توان به این مورد اشاره کرد که شاخص - نماد (indexical) یعنی هر فعل یا عمل یک حرکت انسانی، بعدی شاخص و نمادین دارد و آن این است که هر نماد (فعل یا عمل انسانی) در هر متن یا مجموعه‌ای معنایی ویژه دارد. بنابراین برای شناخت معنای هر عمل باید به متن یا مجموعه‌ای توجه کرد که در آن اتفاق افتاده است. (شاخص - نماد) چون احصای کل اطلاعات معنای ویژه می‌یابد و در یک آن ممکن نیست. و در تازه‌ترین موارد، هرمنوتیک به بررسی نقش خواننده و دریافت او از متون می‌پردازد. یعنی برای تکوین

متن - وجود خواننده به اندازه‌ی مولف حیاتی است. یعنی متن، مجموعه‌های از علائم و عناصر نامعین است که بستگی به مقدار تأثیری که بر روی خواننده دارد و خود خواننده که می‌تواند به گونه‌های مختلف متن را تفسیر کند. بنابراین رمزگان هرمنوتیک به معماها و گشوده شدن آن مرتبط می‌باشد و طبق گفته نشانه‌شناسی لایه‌ای با رفتن به سراغ لایه‌های درونی، در واقع به دنبال نشانه‌های آشکار و پنهان هستیم (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۹۰۸). چنان‌که احمدی به نقل از بارت می‌گوید: این رمزگان به معماها و گشوده شدن آن‌ها مرتبط می‌شود. این رمزگان به شکل «HER» «آمده است» (احمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹).

۲-۴. رمزگان کنشی

نشان‌دهنده‌ی روانی و روانی داستان است به طوری که توالی کنش‌ها باعث پیش رفتن داستان می‌شود. سجودی (۱۳۸۷، ص ۱۵۶) معتقد است این رمزگان با زنجیر رویدادها، سروکار دارند که در جریان خواندن یا گردآمدن اطلاعاتی که در روایت به ما می‌دهد ثبت می‌شوند. این رمزگان را به صورت «ACT» در کتاب «S/Z» می‌بینیم.

۲-۵. رمزگان فرهنگی و ارجاعی

مجموعه دلالت‌های فرهنگی که به شناخت کلی از آن دوران مربوط می‌شود، شناختی که سخن استوار به آن است (احمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰).

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس نشانه‌شناسی لایه‌ای نشانه‌ها نخست دلبخواهی و سپس قراردادی می‌شوند و نشانه ارزش خود را از رابطه جوهری (مادی) با موضوع خود نمی‌یابد بلکه در نتیجه قرارگرفتن در یک سلسله مراتب روابط همنشینی متنی و تعاملات بینامتنی و بینارمزگانی و در نتیجه مناسبات نظام بنیادی که شی در آن قرار می‌گیرد ارزش می‌یابد. طبق گفته سجودی (۱۳۸۷، صص ۵۹-۷۵) متن از لایه‌های متعددی تشکیل می‌شود که هر یک خود نمود عینی و متنی در یک نظام رمزگانی هستند. او در کتاب نشانه‌شناسی کاربردی خود در فصل ششم می‌نویسد در یک متن برخی لایه‌ها، یا حتی گاهی یک لایه نسبت به لایه‌های دیگر اصلی‌تر است یا اصلی‌تر تلقی می‌شود و در تجلی‌های متفاوت متنی حضور ثابت دارد و لایه‌های دیگر بافتی متغیر هستند و این لایه‌های متنی در تعامل با یکدیگر و در تاثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند به مثابه متن و به مثابه عینیت ناشی از یک نظام دلالت‌گر تحقق می‌یابند و تفسیر می‌شوند. ما نیز در تحلیل لایه‌های رمزگان به کار برده شده در شعر «سوره تماشا» طبق تقسیم بندی بارت به رمزگان موجود در بافت کلام می‌پردازیم:

به تماشا سوگند / و به آغاز کلام / و به پرواز کبوتر از ذهن / واژه‌های در قفس است

■ لایه اول، رمزگان فرهنگی:

سوگند خوردن: یکی از پرکاربردترین اصطلاح‌هایی است که با احساسات آدمیان به خصوص ایرانیان عجین شده است. یاحقی در فرهنگ اساطیرمی نویسد: سوگند خوردن، دستاویزی برای برانگیختن فرد مقابل و برای باور کردن گفته‌های فرد سوگند خورنده می‌باشد. چون ایرانیان بر این باور هستند که سوگند خوردن ناشی از ایمان و اعتقاد درونی او به خداوند یکتا نشأت می‌گیرد. اگرچه موضوعی که فرد سوگند خورنده بیان می‌کند راست و دروغ بودنش ثابت نشده است ولی با این عمل سوگند خوردنش، او را باور می‌کنند.

■ لایه دوم، رمزگان معناشناسانه:

از منظر رمزگان معناشناسانه می‌توان گفت، سوگند خوردن نه تنها دلالت بر راست و حقیقی بودن پاره گفتار می‌کند، بلکه وقتی فرد به چیزی سوگند می‌خورد، در واقع نشان‌دهنده‌ی ارزش و اهمیت آن موضوع می‌باشد. هم‌چنان‌که سپهری هم به «تماشا» و «آغاز کلام» و ... قسم می‌خورد.

■ لایه سوم، رمزگان هرمنوتیکی:

تماشا کردن، موضوعی است که بسیار توجه سپهری را به خود معطوف کرده است و با سوگند خوردن به آن اهمیتش را نشان می‌دهد. او در قسمت‌های دیگر «هشت کتابش» به نگاه کردن و تماشا کردن ارزش فراوانی قائل است. مانند:

من در شکوه تماشا / فراموشی صدا بودم / یا: چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید

دید

از نقطه‌نظر رمزگان هرمنوتیکی، می‌توان گفت، که اگر ما می‌خواهیم درک و آگاهی خود را از هستی داشته باشیم، باید چشم دیدار خود را تقویت کرده و مشاهده کنیم و با تماشا کردن به بطن اشیاء و پدیده‌های فرو رفته در درونشان را ببینیم. سپهری از جمله شاعرانی است که ارزش زیادی به دریافته‌های عمیق و غیرقابل لمس، قائل است. سوگندی که در ابتدای شعر آورده، ارزش میانی مشاهده را بیان می‌کند.

■ لایه چهارم، رمزگان نمادین:

قفس: در فرهنگ عرفانی (سجادی، ۱۳۶۲، ص ۳۷۹) مراد تن آدمی است.

انصاری گوید: ای مسکن هرگز تو را آرزوی آن نبود که روزی مرغ دلت از قفس ادبار نفس خلاص یابد و بر ای رضای حق پرواز کند، قفس قالب است، اما جان مرغ پر او، ارادت افق او، غیبت منزل او (همان)

■ رمزگان کنشی:

افعالی مانند شرط بستن، قول دادن، اخطار کردن، قسم خوردن، نامیدن و اعلام کردن را افعال بیانی، کنشی می‌گویند و جملاتی که یکی از این افعال بیانی در آن‌ها به کار رفته باشد، پاره گفتارهای کنشی می‌نامند. بنابراین سوگند خوردن یک فعل کنشی است. در نتیجه:

عناصر پیرامونی شرکت کننده	شرکت کننده در فرایند	فعل فرایند
-	[من: محذوف]	سوگند [خوردن: حذف به قرینه معنوی]
-	کبوتر / استعاری	پرواز کردن (مادی / ذهنی)
-	واژه	در قفس بودن / استعاری

به آن دسته از کنش‌های گفتاری که نشان‌دهنده‌ی باور گوینده از درستی موضوع باشد، کنش گفتاری توصیفی گفته می‌شود... گوینده با به کارگیری توصیف، کلمات را با جهان باورهایش متناسب می‌سازد (یول، ۱۹۹۶، ص ۵۲).

حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود / من به آنان گفتم: / آفتابی لب درگاه شماست / که اگر در بگشایید به رفتار شما می‌تابد

■ لایه اول، رمزگان معناشناسانه:

سپهری می‌گوید که حرف‌هایش درست مثل یک تکه چمن روشن است و دلیل آشکار و روشن بودن حرف‌هایش را دال بر مانند چمن بودن می‌داند. پاره‌گفتارها با این‌که ساده هستند ولی چون از معنای ضمنی و عمیق برخوردارند، باید به آن‌ها توجه کرد تا بتوان به منظور شاعر پی برد. هم‌چنان‌که در بیت‌های قبلی سوگند خوردن به تماشا در معانی ضمنی خود به سوره‌هایی از قرآن اشاره دارد که با قسم خوردن آغاز می‌شوند. ما در قرآن سوره‌های زیادی داریم که به این نحو آغاز می‌شوند و سپهری نیز به زیبایی سه سوگند پی در پی در کلام خود می‌آورد.

■ لایه دوم، رمزگان هرمنوتیک:

گفته‌هایش با این‌که ساده است و از واژگان ملموس و کاربردی شکل گرفته ولی چون از

معنای عمیقی برخوردار است، به این سادگی نمی‌توان به مفهومی که در میان این واژگان نهفته است پی برد. چون سپهری دیدی عرفانی دارد، بنابراین طبق نظریه‌های

عرفانی، هر چشمی قادر به دیدن این روشنائی نیست. باید چشم بصیرت را به سوی آفتاب معرفت روشن کرد تا حقیقت را دید. هم‌چنان که سپهری در ادامه می‌گوید، اگر می‌خواهی به آگاهی برسی باید در دل را باز کنی. و می‌گویی اگر وجودت را با زیبایی و روشنائی معنوی عجین کنی، با نگاه کردن به چمن که واضح و آشکارا نشانه‌ای از حق و حقیقت است می‌توانی به درک عمیقی از معرفت و شناخت خدا برسی.

■ لایه سوم، رمزگان نمادین:

آفتاب: تابش انور جبروت الهی (سجادی، ۱۳۶۲، ص ۷)

مثالی از حافظ: ز مشرق سر کوی آفتاب طلعت تو اگر طلوع کند طالعم همایونست

■ رمزگان کنشی:

عناصر پیرامونی شرکت‌کننده	شرکت‌کننده در فرایند	فعل فرایند
آنان	[من: محذوف]	گفتن / کلامی (فعل کنشی بیانی)
درگاه - شما	آفتاب ذکر شده به صورت (نکره و ذهنی)	بودن / وجودی (استعاری)
در	شما (محذوف)	بگشاید / مادی (استعاری)
رفتار - شما	آفتاب	می‌تابد / مادی (استعاری)

روشن بودن: کنش گفتاری توصیفی (در اینجا چون سپهری باور دارد که حرف‌هایش کاملاً واضح و آشکار است نیازی به توضیح بیشتر نمی‌بیند).

سنگ آرایش کوهستان نیست / هم‌چنانی که فلز، زیوری نیست به اندام کلنگ / در کف دست زمین گوهر ناپیدایی ست / که رسولان همه از تابش آن خیره شدند / پی‌گوه باشید / لحظه‌ها را به چراگاه رسالت ببرید

■ لایه اول، رمزگان معناشناسانه:

آرایش سنگ‌ها در کنار یکدیگر دلالتی بر عظمت و شکوه و زیبایی کوه است. ولی در این جا وجود سنگ‌ها دلیلی بر زیبایی نیست هم‌چنان‌که فلز دلیلی بر زیور و آرایش کلنگ نمی‌باشد. بلکه هدف اصلی از کنار هم قرار گرفتن سنگ‌ها، به وجود آمدن کوه می‌باشد و فلز عامل ایجاد کلنگ است. بنابراین باز در معنای ضمنی سپهری به این نکته اشاره دارد که اگرچه پدیده‌های جهان بسیار زیبا هستند ولی آن‌ها فقط برای زیبایی آفریده نشده‌اند، بلکه این‌ها، نشانه‌ای برای درک و رسیدن به توحید می‌باشند. سنگ در معنای ضمنی‌اش؛ آیتی است که انسان را به جوهر کوه بشارت می‌دهد و ماهیتش را نشان می‌دهد، هم‌چنانکه دیگر عناصر نیز به چنین مفهومی اشاره دارند.

■ لایه دوم، رمزگان هرمنوتیک:

سنگ آرایش کوه نیست، بلکه خود کوه است. نشان‌دهنده عظمت خالق آن‌هاست. آن‌ها بیهوده آفریده نشده‌اند. هم‌چنانکه در سوره‌ی انبیاء می‌خوانیم: «و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن‌هاست بازیچه نیافریده‌ایم» بنابراین همه عناصر، آیت‌ها و نشانه‌هایی برای وجود حق تعالی هستند. فلز عنصر اصلی و اساسی یک وسیله می‌باشد و ...

■ لایه سوم، رمزگان نمادین:

گوهر: در فرهنگ اساطیر به معنای روح، نفس و حقیقت انسان کامل می‌باشد. کوه: موقوف الهی است و مقام فنا است.

آن کوه طور که قرآن مجید جلوه‌گاه آن است و محل سوگند خدای جهان است که نه از خود یافت آن است که از مجاورت قدم موسی یافت که با حق راز گفت و درد خوش را آن‌جا گفت سهراب نیز به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید که رسولان، همان انسان‌های برگزیده‌ای هستند که این گوهر ناپیدا را دیده‌اند و همه از تابش آن محذوف شده‌اند.

■ رمزگان کنشی:

عناصر پیرامونی شرکت‌کننده	شرکت‌کننده در فرایند	فعل فرایند
کوهستان	سنگ	نیست / رابطه‌ای
اندام - کلنگ	فلزی	نیست / رابطه‌ای / حذف به قرینه
کف دست زمین	گوهر ناپیدا	است / وجودی (استعاری)
تابش گوهر	رسولان	خیره شدن / مادی (فعل کنشی امری)
لحظه‌ها، چراگاه رسالت	شما (محذوف)	گشتن

نکته: باشید در معنی بگردید می‌باشد.

و من آنان را / به صدای قدم پیک بشارت دادم / و به نزدیکی روز، و به افزایش رنگ / به طنین گل سرخ / پشت پرچین سخن‌های درشت /

■ لایه اول، رمزگان فرهنگی:

در فرهنگ ایرانیان، نام عزرائیل که قاصد مرگ است، آشکارا به کار نمی‌برند. چرا که مرگ

حادثه‌ای ترسناک و دلهره‌انگیز است و به جای آن واژه‌های جانبی استفاده می‌کنند. در بیت قبلی سپهری می‌گوید: لحظه‌های زندگی را با خوشگذرانی و بی‌خبری

سپری نکنید، بلکه دنبال گوهر باشید و لحظه‌های زندگی خود را از چراگاه رسالت سیراب کنید. چون قدم‌های پیک مرگ نزدیک می‌شوند. در این جا مستقیماً از واژه ملک‌الموت اجتناب کرده و آن را به صورت پیک مطرح می‌کند. بشارت دادن به صدای قدم پیک در معنای ضمنی خود به قاصد مرگ اشاره می‌کند. ولی در ادامه می‌بینیم که بدنبال مرگ و تاریکی، از روشنائی و نور و افزایش رنگ، و به دنبال سخن درشت و ناپسند، بشارت؛ طنین گل سرخ می‌کند. به نظر می‌رسد اگرچه در ظاهر مرگ تلخ است ولی از نکته نظر عقاید دین و اسلام، مرگ پایان زندگی نیست، بلکه آغازی دیگر است و اگر ما لحظه‌های زندگی خود را در چراگاه رسالت سیراب کرده باشیم با آغوش باز از مرگ استقبال خواهیم کرد.

■ لایه دوم، رمزگان هرمنوتیک:

در نگاه عارفانه شاعر، ترس از مرگ بی‌مفهوم است. چون آن شروع زندگی والاتر از زندگی مادی می‌باشد. چنان که قبلاً نیز گفته است. و نترسیم از مرگ / مرگ پایان کبوتر نیست

■ رمزگان کنشی:

عناصر پیرامونی شرکت‌کننده	شرکت‌کننده در فرایند	فعل فرایند
آنان - صدای قدم پیک	من	بشارت دادن / کلامی (فعل کنشی گفتاری / تقریری)
طنین گل سرخ - پشت پرچین سخن‌های درشت	من / محذوف	فعل فرایندی در بیت‌های بعدی به قرینه لفظی حذف شده‌اند.

کنش تقریری طبق گفته «یول» به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که بیان آن‌ها به تغییر اوضاع دنیای خراجی بینجامد. ... گوینده با به کارگیری کنش اعلامی از طریق کلمات، اوضاع دنیای خارج را تغییر می‌دهد (یول ۱۹۹۶، ص ۵۳).

و به آنان گفتم / هر که در حافظه چوب بیند باغی / صورتش در وزش شبیه شور ابدی خواهد ماند / هر که با مرغ هوا دوست شود / آن که نور را از سرانگشت زمان برچیند می‌گشاید گره پنجره‌ها را با آن /

■ لایه اول و دوم، رمزگان هرمنوتیک و رمزگان معناشاسه:

تکرار مفاهیم گفته‌های قبلی می‌باشند.

به طور خلاصه می‌توان گفت در معنای ضمنی و هرمنوتیک، خود اشاره به این دارد که اگر افراد روح و جسم خود را با ریاضت و تلاش پیوسته منسجم آموزش دهند، قادر

خواهند بود عظمت باغ را در چوب خواهید دید. و به دنبال آن از یک زندگی جاودانه همراه با شور و هیجان وصف ناپذیر برخوردار خواهد بود.

■ رمزگان کنشی

عناصر پیرامونی شرکت کننده	شرکت کننده در فرایند	فعل فرایند
باغ، حافظه چوب	هر کسی	گفتن
وزش بیشه، شور ابدی	هر کسی / محذوف	بیند (فعل کنشی)
خواب، جهان	هر کسی	خواهد ماند / انتزاعی
گره پنجره‌ها، سرانگشت	هر کسی	دوست شدن
-	آن	برچیدن

زیر بیدی بودیم / برگی از شاخه بالای سرچیدم، گفتم / چشم را باز کنید / آیتی بهتر ازین می‌خواهید؟ / می‌شنیدم که به هم می‌گفتند: / سحر می‌داند، سحر /
 ■ لایه اول، رمزگان معناشناسانه:

از ابتدا، کلام سپهری، به زبان اول شخص مفرد است. ولی ناگهان در این جا می‌بینیم که فعل

را به صورت اول شخص جمع می‌آورد. زمانی که کل بیت‌ها را می‌خوانیم، به این نتیجه می‌رسیم که این ابیات از یک معنای ضمنی برخوردار هستند و همه اشاره به قرآن و برگرفته از مضامین قرآنی هستند. چنان‌که خداوند نیز در قرآن آیه‌هایی را که مربوط به رحمت می‌باشند با ضمیر اول شخص مفرد بیان می‌کند و آیه‌هایی که مربوط عذاب می‌باشند با اول شخص جمع.

سپهری نیز به زیبایی و ماهرانه در کل ابیات به قرآن و معجزه‌ها و وعده‌های الهی اشاره دارد و هم‌چنان که در پایان شعرش نیز می‌گوید:

سر هر کوه، رسولی دیدند / ابر انکار به دوش آوردند / باد را نازل کردیم / تا کلاه از سرشان بردارد / خانه‌هاشان پر داوودی بود / چشم شان را بستیم / دستشان را ترساندیم بر شاخه هوش / جیبشان را پر عادت کردیم / خوابشان را به صدای سفر آینه‌ها آشتیم /
 و در معانی ضمنی این ابیات می‌توان گفت به پیامبران الهی و ارشادها و راهنمایی‌هایشان اشاره داد و این که به کسانی بودند که با وجود این پیامبران باز هم اسیر خواسته‌هایشان می‌باشند.

به خورشید نمی‌توانند ایمان بیاورند چون چشم دلشان بسته است. انسان، موجود فریب خورنده‌ای است که خود را فریب داده است و تمام نگاه پیامبران این بوده که نگاه انسان را به سوی نور الهی و خداوند متعال سوق دهند. و زمانی که اعمال انسان به دلیل

یکنواختی و تکرار به عادت تبدیل می‌شود و اعمالی منسجم و یکنواخت را انجام خواهند داد و در نتیجه نگرش او نیز به جهان واکنشی برخاسته از عادت خواهد بود و طبیعی است او که تا اسیر عادت‌هایش است، خواب او از صدای سفر آینه‌ها آشفته خواهد شد.

■ لایه دوم، رمزگان نمادین:

گل داوودی: تداعی کننده حضرت داوود یکی از پیامبران خداوند که صدایی ملکوتی داشت.

رسول: نمادی از پیامبران الهی و سفر آینه: سفر درونی، نمادی از رویاهای انسان

■ رمزگان کنشی:

عناصر پیرامونی شرکت‌کننده	شرکت‌کننده در فرایند	فعل فرایند
کوه، رسول	مردم / محذوف	دیدند
ابر انکار	مردم / محذوف	به دوش آوردند
چشم	ما / محذوف	بستم
خواب، سفر آینه‌ها	مرد / محذوف	آشفتم

۵. نتیجه

هم‌چنان‌که سجودی (۱۳۸۳، ص ۱) معتقد است، متن از لایه‌های متعددی تشکیل می‌شود و برخی لایه‌ها یا حتی گاهی یک لایه نسبت به لایه‌های دیگر اصلی‌تر است یا اصلی‌تر تلقی می‌شود و این لایه‌ها در تعامل با یکدیگر و در تأثیر متقابلی که از هم می‌پذیرند، متن‌های رمزی را به وجود می‌آورند و به همین دلیل است که متون ادبی صاحب‌زبانی پنهان می‌گردند و این علم نشانه‌شناسی کاربردی است که می‌تواند به تجزیه و تحلیل رمزگان موجود در بافت بپردازد. در این شعر سپهری دیده می‌شود که ابیات همواره از مجاورت و هم‌نشینی رمزگان‌هایی است که در درونش به صورت لایه‌های مختلف شکل گرفته‌اند و هر یک خود نمود عینی و متنی، در یک نظام رمزگانی است. با تجزیه و تحلیل شعر «سوره تماشا» به این نتیجه می‌رسیم که عنوان شعر در معنای ضمنی‌اش به این اشاره دارد که سپهری توجه خاصی به قرآن و ساختارهای موجود در آن دارد و در طول شعر واژه‌های «سوره - بشارت - رسول - رسالت و آیت» آمده که اشاره ضمنی به قرآن دارند و لذت خواندن متن در تحول سمبلیک نمادها در «سوره تماشا» در نتیجه تلفیق فرهنگ شرق و آیین اسلام توأم می‌باشد. سپهری از سمبل‌های ارزشمندی در این شعر بهره‌جسته است. مانند «گوهر» که نمادی از روح و

نفس و حقیقت انسان کامل است. منطق این رمزگان از منطق رویاست. زمانی توالی یا جانشینی رخ داده‌های نامعمول است و سپهری نیز به زیبایی و ماهرانه در کل ابیات به قرآن و معجزه‌ها و وعده‌های الهی اشاره دارد.

منابع

- احمدی، بابک، ۱۳۸۲، *ساختار و تأویل متن*، تهران، نشر مرکز.
- ایگلتون، تری، ترجمه عباس مخبر، ۱۳۶۸، *پیش درآمدی بر نظریه ادبی*، تهران، نشر مرکز.
- تودوروف، تزوتان، ترجمه عاطفه طاهایی، ۱۳۸۵، *نظریه ادبیات*، نشر اختران.
- حریری، روزنامه همشهری (هرمنوتیک انتقادی)، ۷۵/۱۲/۲۳.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.
- سپهری، سهراب، ۱۳۷۸، *هشت کتاب*، تهران، نشر قطره.
- سجادی، سیدجعفر، ۱۳۶۲، *فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، کتابخانه طهوری.
- سجودی، فرزانه، ۱۳۸۳، *نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل نشانه‌شناختی آثار هنری*، مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
- سجودی، فرزانه، ۱۳۸۷، *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران، نشر قصه.
- شعیری، حمیدرضا، ۱۳۸۱، *مبانی معناشناسی نوین*، تهران، انتشارات سمت.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۶۹، *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*، سروش، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

De Saussure, F. (1965), *Course in General Linguistics*, The Philosophical Library, Inc.

Yule, G. (1996), *Pragmatics*, Oxford: Oxford University Press.